

## قرائن اعتبار حدیث نزد قدما در نگاه شهید ثانی

سید محمد رضا علوی\*

### چکیده

جایگاه درایه در نگاه شهید ثانی و نگاه‌های خاص ایشان در این علم از جمله مسائلی است که نه تنها تأثیرات فراوانی بر دانش درایه پس از شهید ثانی داشته است بلکه به عنوان یکی از علل اختلاف فتاوی شهید ثانی با سایر فقها نیز شناخته می‌شود. اما به جهت آن که تحقیق موسع و یکپارچه در این باره صورت نگرفته است، مطالب مختلفی از جمله سنجش قرائن اعتبار حدیث در نگاه شهید شهید ثانی نسبت به قدما چندان روشن نیست. از این رو پرسش از این موضوعات در میان آثار مختلف فقهی، حدیثی و کلامی شهید ثانی مسئله‌ای است که نیازمند کاویدن تا مرحله پاسخی درخور است. این پژوهش به دنبال پاسخ به ابهامات موجود در سنجش اعتبار قرائن صحت حدیث نزد قدما در نگاه شهید ثانی انجام گرفته و نیل به این مقصد در سایه بررسی کتب شهید ثانی با گردآوری داده‌های کتابخانه‌ای میسر گشته است که نتیجه آن ارائه سیمایی واضح تر از نگاه‌های نظری و رفتار عملی ایشان در کتب مختلف فقهی خود درباره قرائن اعتبار حدیث نزد قدما است.

**واژگان کلیدی:** قرائن اعتبار حدیث، مکتب حدیثی شهید ثانی، شهرت و شهید ثانی،

مراسیل اصحاب اجماع، مراسلات صدوق

---

\* طلبه پایه چهارم مدرسه علمیه شهیدین علیهم‌السلام، تاریخ نگارش: بهار ۱۴۰۱.



## ۱. مقدمه

شهید ثانی از فقهای بزرگ قرن ۱۰م به عنوان یکی از فقهای نامدار و تاثیرگذار برشمرده می‌شود؛ علمای بزرگی همچون مقدس اردبیلی، ابن‌الشهید و سبط‌الشهید پس از ایشان به گونه واضح و آشکار متأثر از ایشان بوده‌اند؛ همچنین کتاب مسالک الافهام مورد توجه و عنایت فقهای معاصر همچون شیخ انصاری و صاحب‌جواهر بوده است.

یکی از مناشئ اختلاف دیدگاه و فتوای شهید ثانی با بسیاری از فقهای پیش از خود، نگاه ایشان به دانش درایه‌الحديث<sup>۱</sup> و نظرات خاص او در این دانش است؛ ایشان را مؤسس مکتب و ثوق‌سندی دانسته‌اند و تاثیر این نگاه‌ها تا بدانجا بوده است که برخی جنبش اخباریگری را واکنشی به جریان حدیثی شهید ثانی و تابعین ایشان دانسته و گروهی دامنه زمانی تاثیر مکتب شهید را تا زمان آیت‌الله خوبی امتداد داده‌اند. هرچند در تاریخ شیعه مباحث درایه در لابه لای کتب کلامی و اصولی مطرح و بعد از آن به عنوان مقدمه‌ای بر کتب فقهی یافت می‌شود اما نخستین تک‌نگاری مستقل که در این دانش نگاشته شده و به دست ما رسیده است البدایة و شرح آن الرعاية از شهید ثانی است؛ شهید ثانی در منیه‌المربید جایگاه درایه را پس از اصول فقه و قبل از قرائت حدیث می‌داند. شهید ثانی از بحث‌های سندی در روایات اعتقادی نیز بهره می‌برد فقهای بزرگی همچون شیخ طوسی و علامه حلی را در حیطه این دانش به سختی مورد اعتراض قرار می‌دهد.

بررسی جایگاه درایه نزد شهید ثانی و نظر ایشان در مسائل این علم موضوعی نبوده است که چندان مورد توجه تک‌نگاری‌های مستقل قرار گرفته باشد و بیشتر در ذیل موضوعات دیگر بررسی شده است؛ به عنوان نمونه علی‌رضا داد در کتاب خود مکتب حدیثی جبل عامل به مناسبت جبل عاملی بودن شهید ثانی گاه از ایشان سخن گفته یا ناصر نجفی گاه به مناسبت روش شناسی شهیدین، نکاتی درباره نگاه‌های حدیثی شهید ذکر نموده است؛ همچنین حسن حیدری نیز فصلی را به بررسی دیدگاه‌های رجالی شهید ثانی اختصاص داده است. (هرچند برخی از مسائل بررسی شده بیشتر مرتبط با دانش درایه هستند) ربانی بیرجندی به مناسبت مقایسه دو مکتب و ثوق صدوری و و ثوق سندی به مقایسه میان شهید ثانی و آقا جمال خوانساری پرداخته و برخی مقالات

۱. شیخ بهایی درایه را به علمی که در آن از سند و متن حدیث و چگونگی فراگیری و انتقال (تحمل و ادا) آن و آداب نقلش بحث می‌شود معرفی می‌کند. (شیخ بهایی، ۱۳۹۸، ق، ص ۴).



ارائه شده در کنگره شهیدین نیز برخی مولفه‌های مرتبط با دانش درایه در نگاه شهید ثانی را بنمایه پژوهش خود قرار داده‌اند. در کنار تمام ویژگی‌های مثبت و نقاط قوت نوشته‌های پیشین، شوربختانه گاه عدم آشنایی برخی نویسندگان با متون شهید باعث برداشت‌هایی ناصواب از متن شهید شده است؛ به علاوه حتی پژوهش‌های مستقل گذشته، چنان که در این پژوهش رقم خورده است، آرای شهید ثانی در درایه را بدین سان جمع‌آوری ننموده و سپس با عملکرد ایشان در کتب فقهی خود مقایسه ننموده‌اند؛ بر این اساس نگارنده با توجه به یکی از دیدگاه‌های شاخص شهید ثانی که وثوق سندی است یکی از مولفه‌های مهم مورد اختلاف میان مکتب وثوق مخبری و وثوق خبری را بنمایه پژوهش خود در آثار شهید ثانی قرار داده است، بی‌گمان این پژوهش خالی از اشکال نبوده اما امید است حرکتی به سوی بررسی مکتب حدیثی شهید ثانی باشد.

## ۲. شهید ثانی و قرائن اعتبار حدیث نزد قدما

شیخ بهایی در مشرق‌الشمسین تأکید می‌کند که قدما به هر حدیثی که اعتماد به آن را درست می‌دانستند اطلاق صحیح نموده‌اند و سپس برخی از نشانه‌هایی که در نگاه قدما بیانگر اعتبار حدیث بوده است را برشمرده است از آن جمله می‌توان به مواردی همچون: کثرت ورود در اصول اربع مائه، تکرار حدیث در اصل با طرق مختلف، وجود حدیث در اصلی که انتساب آن به یکی از اصحاب ثابت باشد، صحت سند تا اصحاب اجماع، مورد اعتماد در فتوا واقع شدن حدیث و... اشاره نمود. (شیخ بهایی، ۱۳۸۷، صص ۳۰-۲۶) شهید ثانی ضمن آنکه بر تنويع رباعی و حفظ اصطلاح صحیح در این ساختار تأکید دارد؛ برخی از قرائن معتبر نزد قدما در تشخیص روایت معتبر و مورد اعتماد را نمی‌پذیرد در ادامه به توضیح برخی از قرائن در نگاه شهید ثانی پرداخته خواهد شد.

### ۱\_۱. اصول اربع مائه

شهید ثانی قرینه ورود روایت در اصول اربع مائه را نمی‌پذیرد. در مسالک با وجود بیان شهرت اصل ظریف میان اصحاب و با وجود روایاتی دال بر عرضه روایت بر امام<sup>۱</sup>، به خاطر وجود

---

۱. ن. ک: کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۷، ص ۳۲۴؛ این روایت طرق متفاوتی دارد؛ یکی از طرق مقدوح به واسطه ابن فضال است، توضیح نگاه شهید ثانی به او در بخش اصحاب اجماع از همین مقاله قابل پیگیری است همچنین می‌توان در مواضع متعددی از کتب شهید ثانی موضع‌گیری ایشان نسبت به او را رهگیری کرد به عنوان نمونه به آدرس‌های ذیل

راویانی همچون حسن بن علی بن فضل و سهل بن زیاد در سلسله سند روایت را ضعیف می‌داند. در مسالک شهید می‌گوید:

«و مستنده روایة ظریف بن ناصح عن الصادق علیه السلام فی کتابه المشهور فی الدیات. قال: «أفتی أمير المؤمنين علیه السلام بأن فی شعر الجفن الأعلى ثلث دية العين، و فی الأسفل نصف

مراجعه نمایید: شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق، ج ۶، ص ۲۰؛ همو، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۹۳۱ در طریق دیگر نیز سهل بن زیاد وجود دارد؛ سهل بن زیاد نیز در نگاه شهید ثانی ضعیف است و مکررا به ضعف او اشاره می‌کند از جمله در شهید ثانی، بی تا، ص ۲۶۱؛ همو، ۱۴۱۳ ق، ج ۱۵، ص ۴۱۰. نجاشی، ابن غضائری و آیت الله خویی او را متهم به غلو دانسته‌اند. (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۱۸۵؛ ابن غضائری، ۱۴۲۲ ق، صص ۶۷-۶۶؛ خویی، ۱۴۱۳ ق، ج ۹، صص ۳۵۸-۳۵۴) شهید ثانی گاه به ضعف مشهور او نزد اصحاب اشاره نموده (که احتمالا چنین ضعفی مستند به همین اتهام به غلو بوده است) و گاه او را عامی دانسته است (شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق، ج ۱۵، ص ۳۸۹) به علاوه روایت مرسله در نگاه شهید ثانی معتمد نیست؛ اما در باب روایات محمد بن عیسی؛ شهید در جایی او را دارای ضعف یا ضعیف علی الاصح می‌داند (همو، ۱۴۲۱ ق، ج ۲، ص ۹۸۱؛ همو، ۱۴۱۳ ق، ج ۱۳، ص ۲۷۵؛ همان، ج ۱۵، صص ۶۸ و ۳۱۸ و ۴۶۲ و ۴۸۱)، در جای دیگر قول صدوق در عدم اعتماد به منفرات او از یونس را ذکر و بر آن حاشیه‌ای نزده است (همو، ۱۴۲۱ ق، ج ۲، ص ۹۶۱) یا تعابیری مشعر به قدح در روایات او از یونس دارد. (همان، ج ۲، ص ۹۷۰ و ۱۱۰۶) و در جای دیگر او را محل نظر دانسته یا تعابیری مشعر به توقف دارد. (همو، ۱۴۱۳ ق، ج ۳، صص ۱۳۷ و ج ۸، ص ۸۹ و ج ۱۵، ص ۴۸۳)؛ به نظر می‌رسد جمع بندی شهید درباره او تضعیف و توقف مطلق است زیرا او یا مطلقا یا در نقل خود از یونس محل قدح واقع شده است. (همان، ج ۱۴، ص ۲۲۲) ممکن است به استناد تعبیر صحیحا از شهید ثانی درباره این روایت (همان، ج ۷، ص ۶۶) ادعا شود ظاهرا شهید این روایت را شاید به خاطر عدم تفرد محمد بن عیسی صحیح دانسته است؛ اما این ادعا نیز تمام به نظر نمی‌رسد؛ توضیح آنکه در این موضع شهید به مناسبت ملازمه‌ای که شیخ و جمعی از فقها میان حکم این روایت و حکم فقهی دیگری مطرح کرده‌اند از این روایت سخن گفته‌اند و ظاهرا از آنجا که ملازمه مورد ادعا را به کلی و از اساس ممنوع می‌دانسته‌اند احتمالا در پی بررسی سندی روایت نبوده‌اند، البته احتمال معلوم خواندن فعل روی نیز هست یعنی شیخ طوسی به طریقی که برای ایشان صحیح است این روایت را نقل کرده‌اند؛ اما در واقع شهید ثانی دست از ضعیف بودن این سند برنداشته‌اند و بر آن مصر هستند چرا که در موضعی که حکم حاصل از خود این روایت مورد بررسی ایشان قرار گرفته است مجددا با دفاع از ابن ادریس در مقابل علامه حلی بر ضعف سند روایت تاکید ورزیده‌اند. (همان، ج ۱۵، صص ۴۸۱ تا ۴۸۳) جدا از آنکه هیچ کدام از نقل‌های دیگر روایت نیز در نگاه شهید ثانی معتبر نیستند پس همچنان نقل محمد بن عیسی از یونس متفرد باقی می‌ماند. حاصل آنکه این روایت به هیچ کدام از طرقش در نگاه شهید ثانی خالی از ضعف نیست.



دبتها إذا شترًا». و فی طریق الكتاب ضعف و جهالة، و إن كان مشهورا بین الأصحاب»  
(شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق، ج ۱۵، ص ۴۰۳)<sup>۱</sup>

## ۲\_۱. شهرت و شهید ثانی

شهید ثانی در موضوع شهرت روایی نسبت به سایرین سخت گیرتر است؛ شهید در جایی انجبار ضعف سند از طریق شهرت روایی را امری عجیب می‌داند. (شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق، ج ۶، ص ۳۸) و در جایی شهرت روایت را در حدی که حجیت بیابد نمی‌داند. (شهید ثانی، ۱۴۱۰ ق، ج ۳، ص ۳۴۶) در جای دیگر نیز شهرت را برای صدور یا اثبات حکم کافی نمی‌داند. (شهید ثانی، ۱۴۱۰ ق، ج ۵، صص ۲۰۹-۲۰۶) گاهی نیز نظریه انجبار ضعف سند برخی روایات را با تعبیر «زعموا» یاد کرده است. (شهید ثانی، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۳۵۰؛ همو، ۱۴۱۳ ق، ج ۲، ص ۴۴۴ و ج ۶، ص ۱۲۸ و ج ۹، ص ۷۲) از سوی دیگر برخی مدعی شده‌اند (کنگره بین المللی شهیدین، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۱۰۸ تا ۱۱۴) از برخی عبارات شهید چنین فهم می‌شود که شهرت عملی را به عنوان جابر ضعف سند و تقویت کننده آن پذیرفته است. (شهید ثانی، بی تا، صص ۱۰۰ و ۱۲۷ و ۱۳۲ و ۱۴۰ و ۱۴۸ و ۱۵۰ و ۳۷۵؛ همو، ۱۴۱۳ ق، ج ۱، ص ۳۰۹ و ج ۶، ص ۱۵۶ و ج ۱۴،

۱. همچنین ن. ک: شهید ثانی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱۰، ص ۲۵۳.
۲. به نظر می‌رسد در اینجا اولاً شهرت موید روایات است نه منجر ضعف آن‌ها و ثانیاً روایات ضعیفه به گونه‌ای به عنوان موید ذکر شده‌اند؛ جدا از آنکه شیخ نیز ادعای اجماع در مسئله کرده‌اند.
۳. به نظر می‌رسد شهید در اینجا نیز مستظهر به نقل اجماع شیخ طوسی نیز هستند.
۴. شهید می‌فرماید: و فی طریق هذه الرواية عثمان بن عيسى و هو واقفي و لعل ضعفها به منجر بالشهرة مع ان (المصنف) لم یجزم بردروایته بل توقف فیها فی کتب الرجال. تعبیر لعل هر چند مشعر به عنایت به انجبار است اما ثابت کننده آن نیست.
۵. شهید می‌فرماید: و فی سند الرواية ضعف لکنه منجر بتلقي الأصحاب لها بالقبول و عملهم بمضمونها و موافقتها للأصول به نظر می‌رسد در اینجا موافقت با اصول به کمک انجبار ضعف سند آمده است.
۶. شهید می‌فرماید: نعم فی طریق هذه الرواية ضعف، لکنها مشهورة، و قد أفتى الأصحاب بمضمونها، و هو جابر لضعفها علی ما بیئوه. چنان که دیده می‌شود تعبیر علی ما بینوه هم می‌تواند مشعر به ضعف انجبار و عدم انتساب این تبیین به خود شهید باشد هم می‌تواند خنثی بوده و کل عبارت موید انجبار ضعف سند باشد.
۷. ادعای پذیرش جریان ضعف سند به شهرت از عبارات شهید در این جا بسیار غریب است؛ زیرا به وضوح تعبیر شهید یک تعبیر کنایی است: «و جبر الضعف بالشهرة ضعیف مجبور بالشهرة».



ص ۷۷؛ همو، ۱۴۱۰ ق، ج ۱۰، ص ۲۵۲) گفته شده است شهید حتی روایت غیر امامیان را با جبران ضعف به واسطه شهرت با ملاک عمل اصحاب پذیرفته است. (همان، ص ۱۴۰<sup>۳</sup> و ۱۴۹<sup>۴</sup> و ۱۷<sup>۵</sup> و ۱۸۴ - ۱۸۳؛ همو، ۱۴۱۳ ق، ج ۱، ص ۱۸۴<sup>۶</sup>) و روایات مرسل منجبر با شهرت عملی نیز مورد پذیرش او واقع شده‌اند. (همان، ج ۳، ص ۲۵۸<sup>۷</sup> و ج ۷، ص ۲۴۳<sup>۸</sup>؛ همو، ۱۴۱۰ ق،

۱. شهید می‌فرماید: و عمل بمضمونها الشيخ في النهاية. و المصنف رحمته الله ذكر أنها ضعيفة السند، و لم يذكر ما ينافي حكمها. و وجه ضعف سندها أن أمة المذكور واقفي. و الظاهر أن المراد بالشعيري إسمايل بن زياد السكوني المشهور، و هو عامي. و لكن لا يلزم من حكم المصنف بضعف سندها ردّ حكمها، لأنّه كثيرا ما يجبر الضعف بالشهرة و غيرها، و الأمر في هذه كذلك. در اینجا نیز نمی‌توان انجبار ضعف سند را نظر شهید دانست بلکه می‌توان چنین فهمید که شهید ثانی به اشکال مصنف به شیخ پاسخ داده می‌فرماید كثيرا ما او ضعف سند را به شهرت و غیر شهرت جبران می‌کند.
۲. جدا از آنکه در اینجا نیز حکم مستند به شهرت و عدم خلاف است؛ ممکن است شهید در مقام بیان مستند حکم شهید اول باشند؛ و لو ضرب عجانة بکسر العين و هو ما بین الخصیة، و الفتحه فلم يملك غائطه و لا بوله فیه الدیة أيضا في رواية إسحاق بن عمار عن أبي عبد الله رحمته الله و نسبه إلى الرواية، لأن إسحاق فطحي و إن كان ثقة. و العمل بروايته مشهور كالسابق و كثير من الأصحاب لم يذكر فيه خلافا.
۳. از متن شهید اعتقاد و التزام ایشان به انجبار ضعف سند به واسطه شهرت بدست نمی‌آید. «و في طريق هذه الرواية عثمان بن عيسى و هو واقفي و لعل ضعفها به منجبر بالشهرة مع ان (المصنف -) لم يجزم برده روايته بل توقف فيها في كتب الرجال».
۴. شهید می‌فرماید: و اعلم ان الحديث الدال على حكم الإنسان في رجاله جماعة من الفطحية لكنهم ثقات مع سلامته من المعارض و انجبارها بعمل الأصحاب عملا ظاهرا و ذلك يخرجها الى كونه حجة كما ذكره الأصحاب فلا يمكن العدول عنه. در اینجا تنها شهرت مورد توجه نیست بلکه شهرت به همراه عدم مخالف مستند واقع شده است.
۵. هر چند برخی این مورد را نیز به عنوان مستند عنایت شهید به شهرت دانسته‌اند اما به نظر می‌رسد مستند این مورد اجماع باشد: يستحب الغسل أيضا أول ليلة من شهر رمضان و هو إجماع و رواه عثمان بن عيسى عن سماعه عن ابي عبد الله رحمته الله و هما واقفيان لكن أيدت الرواية بعمل الأصحاب.
۶. در این مورد نیز شهرت به تنهایی جابر نیست: و هو خير من اطراح هذه الأخبار التي قد صحّ بعضها و اعتضد باقيها و عمل جماعة من الأصحاب بمضمونها و قوى العمل بها.
۷. در اینجا نیز موضوع حکم از مستحبات است و شهید قاعده تسامح در ادله سنن را پذیرفته‌اند.
۸. در اینجا نیز شهید فرموده‌اند: و مرسلها أحمد بن أبي نصر، و قد استثناه بعض الأصحاب من المنع من المراسيل مع من استثنى. و على تقدير عدمه فهو منجبر بالشهرة بين الأصحاب و عملهم بمضمونها. در اینجا نیز شاید از اصحاب اجماع بودن احمد بن ابی نصر به کمک شهرت آمده باشد.
۹. البته در اینجا نیز اجماع منجبر ضعف سند است: و رواية ابن أبي عمير مرسله إلا أن الأصحاب قبلوا مراسيله. و إبراهيم ابن عمر ضعيف. و المعتمد على الإجماع و الأخبار المجبورة بالشهرة.



ج ۹، ص ۲۳۷<sup>۱</sup>

ایشان شهرت عملی را یکی از مرجحات دانسته (همو، بی تا، ص ۲۹۲) و مخالفت با حدیث مشهور و عمل اصحاب را امری ناممکن می‌داند، (همان، ص ۱۲۷) تا آنجا که روایتی با سند معتبر را به خاطر عدم عمل اصحاب مهجور می‌نامد. (همو، ۱۴۱۳ ق، ج ۱۱، ص ۱۹۴) مطابق جست و جوی نگارنده شهید ظاهراً تنها در یک موضع از مصنفات خود یعنی در روض الجنان بی‌گفت و گو متمایل به پذیرش انجبار ضعف سند به واسطه شهرت شده است:

«و لا ریب ان وجوب الغسل بمسّهما اولی و اخری خصوصاً مع حکم أجراء الأصحاب بالتسوية بينهما في الوجوب (- كالمصنف -) في سائر كتبه و الشهید و غیرهما و دعوی الشيخ الإجماع مع ان المنقول بخبر الواحد حجة عند المحققین فلا عبرة بقدرح المحقق فيه و ضعف الخبر قد ینجبر بالشهرة و قبول الأصحاب» (همو، بی تا، ص ۱۱۵).<sup>۲</sup>

نکته مهم آن است که شهید شهرتی را می‌پذیرد که مربوط به قبل از شیخ طوسی باشد؛ اما معتقد است چنین شهرتی محقق نشده است. (حافظیان بابلی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۷۴)

### ۱\_۳. مراسیل مشایخ ثلاث، اصحاب اجماع و شیخ صدوق

شهید ثانی حجیت مراسلات را مطلقاً مردود می‌داند مگر آنکه علم حاصل شود که مرسل جز از ثقه نقل نمی‌کند. (حافظیان بابلی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۳۰) شهید در الرعایه احتمال حصول این علم را به چالش می‌کشد و می‌گوید اگر راه برای حصول این علم استقرا و حاصل آن اثبات وثاقت راوی محذوف باشد در حکم اسناد است و مقبول، اگر راه حصول علم با صرف حسن ظن به مرسل باشد؛ این حسن ظن کافی نیست و اگر علما به استناد اینکه راوی مرسل جز از ثقه روایت نمی‌کند روایت او را پذیرفته باشند، شهادت مرسل به عدالت راوی مجهول را پذیرفته‌اند که خود خالی از اشکال نیست، شهید در ادامه ظاهر کلام علما را دال بر مورد اول می‌داند و

۱. ظاهراً در اینجا نیز شهرت در کنار عدم وجود مخالف منجیر است: و في الطريق ضعف و إرسال. لكن العمل به مشهور و لا راد له.

۲. چنان که در پاورقی موارد قبل دیده شد؛ به نظر می‌رسد شهید شهرت در کنار عدم معارض را ملحق به اجماع دانسته و جابر ضعف سند می‌داند در روض الجنان به این اغتفار تصریح شده است: «و قَطَعُ الأولی و ضعف ساعة في سند الثانية مغتفر بقبول الأصحاب مع عدم المعارض» (شهید ثانی، بی تا، ص ۱۱۲).



اثبات آن را امری بسیار مشکل می‌داند. (حافظیان بابلی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۹۷) شهید ذیل یکی از روایات ابن ابی عمیر می‌گوید:

«و لا یخفی ضعف الروایة الأولى بعلي المذكور، فإنه رأس الواقفية. و الثانية مرسله، لكن مرسل ابن أبي عمير قبله الأصحاب اعتماداً منهم على أنه لا يرسل إلا عن الثقة، مع أنه راوي الرواية الأولى عن ابن أبي حمزة، فإن تمّ ما قالوه فهو ولو تزوّجها على كتاب الله و سنة نبيه ﷺ و لم یسمّ مهراً، كان مهرها خمس مائة درهم. يتسامح في الرواية مع ذكر المروي عنه لا مع تركه، و لا بدّ لهذه الدعوى من إثبات» (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۸، ص ۱۷۴)

و در مواردی با خدشه در سند مراسلات ابن ابی عمیر فتوا به مضمون روایت را نپذیرفته است. (ن. ک: همو، ۱۴۱۳، ج ۹، ص ۵۵۲ و ج ۱۲، ص ۶۱) در مقابل شهید گاه مراسلات ابن ابی عمیر را صحیح دانسته است (همو، ۱۴۱۳، ج ۷، ص ۳۴۳ و ج ۳، ص ۳۷۲ و ج ۹، ص ۲۳۵؛ همو، بی تا، ص ۴۳) همچنین در روض الجنان مراسیل ابن ابی عمیر را نزد اصحاب در قوت مسانید او دانسته است. (همو، بی تا، ص ۳۵۲) و در فتوای خود به مراسیل او استناد کرده است. (همان، ص ۲۱۲) در مسالک شهید می‌گوید: «و المختار التفصیل بالخمسين مطلقاً في غير القرشية، لصحة روايته، و إرساها مقبول من ابن أبي عمير» (همو، ۱۴۱۳، ج ۹، ص ۲۳۶)

شهید با بیان نقل اجماع بر تصحیح روایت ابان بن عثمان، اینگونه تصحیحات را خارج از تعریف روایت صحیح می‌داند. (حافظیان بابلی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۶۷) ایشان روایت ابان را با استناد به اجماع علی المبنی، اگر چه ابان به نظر ایشان ناووسی است، تصحیح می‌نماید. (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۲، ص ۳۹) همچنین با استناد به همین اجماع و شهرت عملی، عمل به مضمون روایت او را اولی می‌داند. (همان، ج ۵، ص ۳۶۶) و ابان را ثقه می‌داند. (همان، ج ۱۴، ص ۴۰۶) در عین حال صراحتاً روایاتی را به خطر وجود ابان تضعیف می‌نماید. (ن. ک: همان ج ۱۵، ص ۲۶۸ و ج ۱۲، ص ۵۱۳) شهید در باب عبدالله بن بکیر به تعارض میان نظر رجالی شیخ و عمل فقهی شیخ اشاره می‌دارد. (همان، ج ۹، ص ۱۲۹؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۲۶، ص ۳۸) و هرچند او را ثقه می‌داند (شهید ثانی، بی تا، ص ۲۱۴)؛ بر مبنای روایت او و روایتی از محمد بن مسلم فتوا می‌دهد؛ (همو، ۱۴۱۳، ج ۸، ص ۴۱۳) و بنا بر نقل صاحب مدارک الاحکام در موردی روایت او را صحیح دانسته است. (ابن علی، ج ۱، ص ۲۴۳) و در جایی با تعبیر «لکن» از ضعف او به نقل اجماع کشی





استدراک کرده است. (شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق، ج ۱۰، ص ۳۱۰) اما فطحی بودن او را باعث تضعیف روایت می‌داند. (همو، ۱۴۱۰ ق، ج ۸، ص ۱۳۱) مرحوم مامقانی مدعی است که شهید ثانی صدور روایت از حسن بن محبوب را باعث تصحیح آن می‌داند. (مامقانی، ۱۴۳۱ ق، ج ۲۰، ص ۳۶۰) اما در جایی شهید روایتی از حسن بن محبوب را دائر بین صحیح و حسنه می‌داند. (شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق، ج ۸، ص ۸۳) و در جای دیگری به مجهول بودن مروی عنه حسن بن محبوب اشاره می‌دارد. (همان، ج ۱۵، ص ۲۸۴) کشی به نقل از برخی به جای حسن بن محبوب حسن بن علی بن فضال را در شمار اصحاب اجماع آورده است (کشی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۸۳۱)، هرچند شهید او را ثقه دانسته است (شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق، ج ۱۳، ص ۱۴۸)، اما احتمال وجود او و پدرش در سند حدیث را برای ضعف سند آن حدیث کافی دانسته است. (همان، ج ۱۳، صص ۴۰۰-۳۹۹)

### ۱\_۳\_۱. مشایخ صدوق

شهید در الرعایة می‌فرماید:

«و لو روی العدل عن رجل سماء، لم تجعل روايته عنه تعديلا له على القول الأصح بطريق أولى؛ لأنه يجوز أن يروي عن غير عدل، وقد وقع من أكثر الأكابر من الرواة والمصنفين ذلك، خلافا لشذوذ من المحدثين؛ ذهبوا إلى اقتضاء ذلك التعديل» (حافظیان، ۱۳۹۰، ص ۲۲۳)

در مقابل در رفتار عملی شهید با عبارتی همچون «و من البعيد ان يروي الصدوق عليه السلام عن غير الثقة بلا واسطة» مواجه می‌شویم. (شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق، ج ۲، ص ۲۳) در شرح لمعه نیز شهید این روایت را ترجیح داده تعبیر به صحیحة الرضا کرده‌اند. (شهید ثانی، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۱۲۰)

### ۳. نتیجه گیری

در این مقاله با محور قرار گرفتن اسباب اعتبار حدیث نزد قدما در بیان شیخ بهایی، به سنجش میزان اعتبار این اسباب در نگاه شهید ثانی و تطبیق آن در مقام نظر و عمل پرداخته شد؛ از آنچه گذشت معلوم شد شهید ثانی قرینه ورود در یکی از اصول اربع مائة را نظرا و عملا مردود می‌داند؛ شهرت روایی در نگاه شهید ثانی معمولا همچون شهرت عملی جابر ضعف سند

نیست هرچند در روض الجنان گاه نشانه‌هایی دال بر خروج از این مبنا دیده می‌شود<sup>۱</sup>، البته شهرت عملی به عنوان مرجح در تعارض به کار می‌آید؛ مرسلات در نگاه شهید ثانی فاقد اعتبار هستند چه مرسل از اصحاب اجماع باشد چه از غیر اصحاب اجماع هرچند در رابطه با ابن ابی عمیر سخت‌گیری کمتری وجود دارد و گاه شهید بر مبنای مرسله او فتوا داده‌اند و در نهایت هرچند روایت افراد از مشایخشان دلالت بر توثیق مشایخ ندارد اما به نظر می‌رسد صدوق از دیدگاه شهید ثانی یک استثنا به شمار می‌رود.



---

۱. روض الجنان قبل از مسالک الافهام و الروضة البهية نوشته شده است؛ آراء شهید با فرض پذیرش برخی از موارد ادعایی خروج از مبنا، در این کتاب مضطرب است زیرا تصریحاتی بر رد مبنای اجبار ضعیف به شهرت در روض الجنان نیز یافت می‌شود. در این باره می‌توان فرضیه‌هایی را مطرح کرد که دستمایه پژوهش‌های آینده با محوریت این کتاب باشند از آن جمله تغییر مبنا یا اضطراب در التزام به مبنا در این کتاب، در مقام شارح علامه بودن و... است.



## فهرست منابع

۱. ابن الغضائری، احمد بن حسین (۱۴۲۲ ق). *الرجال* (چاپ اول). قم: موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث
۲. ابن علی، محمد موسوی عاملی (۱۴۱۱ ق). *مدارک الأحكام فی شرح شرائع الإسلام*. مشهد: مؤسسة آل البيت علیه السلام لإحياء التراث.
۳. حافظیان بابلی، ابوالفضل (۱۳۹۰). *رسائل فی درایه الحدیث* (چاپ چهارم). قم: موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث
۴. حیدری، حسن (۱۳۹۸). *دیدگاه‌های اجتهادی و فقهی شهید ثانی در قواعد و اصول فقهی* (چاپ اول). تهران: قانون یار
۵. خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۳ ق). *معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه* (چاپ پنجم).
۶. ربانی بیرجندی؛ وثوق صدوری و وثوق سنندی، دیدگاه‌ها؛ فقه (کاوشی نو در فقه اسلامی). ش ۲۰- ۱۹، بهار و تابستان ۱۳۸۷، صص ۲۰۷- ۱۴۵
۷. رضاداد، علیه (۱۳۹۴). *مکتب حدیثی جبل عامل از قرن هشتم تا نیمه قرن پانزدهم هجری* (چاپ اول). مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۸. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۲۱ ق). *رسائل الشهید الثانی*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۹. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۰ ق). *الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة* (چاپ اول). قم: مکتبه الداوری.
۱۰. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۳ ق). *المقاصد العلیة فی شرح الرسالة الألفية* (چاپ اول). قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة.
۱۱. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۳ ق). *مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام*. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة.
۱۲. \_\_\_\_\_ (بی تا). *روض الجنان فی شرح ارشاد الأذهان*. قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام لإحياء التراث.
۱۳. شیخ بهایی، محمد بن حسین (۱۳۸۷). *مشرق الشمسین و إکسیر السعادتین*. مشهد: آستانة الرضویة المقدسة. مجمع البحوث الإسلامیة.
۱۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۸ ق). *الوجیزه فی علم الدرایه* (چاپ اول). قم: چاپ بصیرتی.



۱۵. کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۴ ق). *اختیار معرفة الرجال* (چاپ اول). قم: موسسه آل البيت لاحیاء التراث
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). *اصول کافی* (چاپ اول). تهران: الاسلامیه.
۱۷. کنگره بین المللی شهیدین (۱۳۸۸). *مجموعه مقالات کنگره بین المللی شهیدین* (چاپ اول). قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۱۸. مامقانی، عبدالله، (۱۴۳۱ ق). *تنقیح المقال في علم الرجال* (چاپ اول). قم: موسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۱۹. نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵). *رجال النجاشی* (چاپ ششم). قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم: مؤسسة النشر الإسلامي.
۲۰. نجفی، ناصر (۱۴۰۰). *روش شناسی شهیدین با محوریت لمعه و شرح آن* (چاپ دوم). قم: انتشارات دارالفکر.

